

م. ع. اطرافی

## قدرت های خارجی در تلک اشتباهات شان در افغانستان گیر مانده اند

حادثه نافر جام ۱۱ سپتامبر پای امریکا، ناتو و ایساف را به افغانستان کشانید. جورج دبلیو بوش بالای افغانستان بخاطری حمله نظامی کرد که دولت طالبان در قندهار به بن لادن رهبر القاعده که متهم به حادثه ۱۱ سپتامبر شناخته شده بود پناه داده بود و در همکاری با جبهه اتحاد شمال، افغانستان از وجود طالبان و القاعده پاک ساخته شدند. بن لادن، القاعده و طالبان از افغانستان فرار و در ماورای خط دیورند در زیر ریش آی – آس – آی، سازمان استخبارات نظامی پاکستان متواری شدند. مدت دو الی دو نیم سال صلح و امنیت در افغانستان حکم فرما بود. مردم افغانستان حضور امریکا را در افغانستان پذیرفته بودند، امیدوار بودند که امریکا بحیث دوست افغانستان در بدل خدمات و قربانی های عظیم که مردم افغانستان برای خود و امریکا در شکست رقیب جنگ سرد اش انجام داده یعنی اتحاد جماهیر شوروی را شکست داده بود که امریکا فکر آنرا هم کرده نمیتوانست، مردم افغانستان را کمک مینماید. مردم افغانستان به این باور بودند که امریکا قربانی های مردم افغانستان را فراموش نکرده و آمده است که مردم افغانستان را در بازسازی و اعمار مجدد افغانستان یاری و کمک نماید. با سازمان دادن کنفرانس های بین المللی در جهت جلب کمک های جهانی توجه خاص مبذول گردید که به خاطر بازسازی و اعمار مجدد افغانستان ملیارد ها دالر به کشور ما سرازیر شد. جلب چنین کمک ها امید واری های مردم افغانستان را دو چند ساخت. با حسرت که کمک های مکمل اعطاء شده را ملل متحد، امریکا و دولت آقای کرزی در جهت بازسازی و اعمار افغانستان بصورت شفاف و سالم مدیریت کرده نتوانستند و در نیمه راه هفتاد فیصد کمک ها در قید قرارداد های بدون نظارت و بدون حسابدهی حیف و میل گردید. این

اولین امتحان و عملکرد قوای خارجی در افغانستان بود. همزمان یک دولت وابسته، فاسد و بی کفایت براریکه قدرت رسانیده شد که باردوش جامعه جنگ زده و بینوای افغانستان گردید. این دومین امتحان و عملکرد بود. با آمدن قوای نظامی خارجی در افغانستان کشت خاشخاش و قاچاق مواد مخدرچند برابر افزایش یافت. این سومین امتحان و عملکرد بود. با آغاز حملات دوباره تروریزم از قلمرو پاکستان قوای خارجی انتقام آنرا از مردم در داخل افغانستان میگرفت. در حالیکه مراکز تعلیم و تربیت، رهبری و قومانده و پناه گاهای تروریزم در پاکستان وجود داشت و دارد که به افغانستان فرستاده میشدند که به همه شبکهات استخباراتی جهان به شمول اداره استخبارات افغانستان معلوم بود. گمان نمیرود که سی آی ا سازمان استخبارات امریکا از فعالیت های تروریزم در ماورای خط دیورند اطلاعات کافی نداشته بوده باشد. این چهارمین امتحان و عملکرد بود. بمباران قریه های افغانستان توسط قوای هوایی خارجی بخصوص مراسم عروسی ها و کشتار مردم ملکی در شب ها. این پنجمین امتحان و عملکرد بود. تلاشی خانه های مردم در شب هنگام ها و عدم احترام به رسوم و معتقدات مردم، زمینه خشم مردم را فراهم ساخت تا بخاطر دفاع از نوامیس خود مجبور ساخته شدند که با مخالفین مسلح دولت بپیوندند. این ششمین امتحان و عملکرد بود. آتش زدن قرآن کریم، کتاب مقدس اسلام در ایالت فلوریدای امریکا و در پایگاه نظامی بگرام تحریکات خطرناکی بود که روابط قوای نظامی امریکا و مردم افغانستان و جهان اسلام را تاروتیره ترساخت. این هفتمین امتحان و عملکرد بود. عدم تجهیز اردوی افغانستان به سلاحهای پیشرفته زمینی و هوایی برای دفاع خودی افغانستان در حالیکه سالانه بیش از چند ملیارد دالر کمک های نظامی به پاکستان داده میشد تا اردوی پاکستان را در مقابل افغانستان عصری تر بسازد. هشتمین امتحان و عملکرد بود. عدم اعمار زیر بناهای اقتصادی در افغانستان عدم تمایل قوای خارجی

رادرا اعمار اساسی و خودکفایی افغانستان نشان میدهد. این نهمین امتحان و عملکرد بود. بی تفاوتی و بی اعتنایی به عودت و اسکان مجدد مهاجرین افغان از ایران و پاکستان به افغانستان در مدت ده سال حضور نظامی خارجی ها در افغانستان. دهمین امتحان و عملکرد بود. تحمیل اقتصاد بازار آزاد و خصوصی سازی بالای افغانستان که با هیچ کشور همسایه و جهان رقابت کرده نمیتوانست و افغانستان را به بازار مصرفی تبدیل نمودند. این یازدهمین امتحان و عملکرد بود.

در مدت ده سال حضور نظامی خارجی ها در افغانستان و در جنگ های تروریسم و ضد تروریسم مردم افغانستان از جانب هر دو جناح جنگ یکسان به شهادت رسیده اند و اوضاع امنیتی افغانستان را بحرانی تر ساخته اند. از اینرو مردم افغانستان امید و اعتماد شانرا به هر دو جناح جنگ از دست داده اند.

برای اینکه به بیراهه نرویم باید علل و عوامل اساسی جنگها را در افغانستان جستجو و با رویداد های کشور خود از آغاز حمله نظامی امریکا به اینسومقایسه و مورد بازرسی و قضاوت مان قرار بدهیم. در قدم اول ما باید جستجو نماییم که قوای نظامی امریکا و متحدین به چه منظوری هدف به افغانستان آمده اند؟

امریکا میگوید بخاطر اینکه دولت طالبان به بن لادن ترورست و دشمن امریکا در قندها پناه داده بود، امریکا بالای افغانستان حمله نظامی کرد، دولت طالبان را سقوط داد و برضد بن لادن، رهبر القاعده اعلام جنگ داد. اگر صرف بن لادن منظور و هدف شان میبود، کماندوهای خاص امریکا به آسانی میتوانستند بن لادن و حواریون اش را در آغاز مرحله در قندها دستگیر نماید. از ادامه جنگ ده ساله، تلفات عظیم انسانی، خرابی ها، خسارات هنگفت و مصارف ملیارد ها دالرو آینده نامعلوم جنگ که خود امریکا و ناتو را هم در سطح جهان ضربه فاحش زده است جلوگیری کرده میتوانند.

اما تحلیل گران و کارشناسان سیاسی در منطقه و جهان حمله نظامی امریکا، تک ابر قدرت جهان به افغانستان را دسترسی به منابع سرشار نفت و گاز و ذخایر عظیم مواد معدنی در افغانستان و منطقه شرق میانه، آسیای میانه و بحیره خزر و تمدید پایپ لاین ها میدانند که در عقب آن اهداف سیاسی و نظامی هم نهفته بود تا رقبای بالقوه و بالفعل خود چین و روسیه را نیز در محاصره و تحت پوشش نظامی خود داشته باشد. اشتباه تک ابر قدرت در این بود که سایر کشورهای جهان را در حالت انجماد و غیر متحرک و غیر فعال پنداشته بود. تنها امریکا را یگانه قدرت بلارقیب، فعال و متحرک جهان میدانست که با این اندیشه، خود و متحدین خود را به بیراهه کشانید. بیشتر بالای قدرت نظامی و سلاحهای پیشرفته و خودکار جنگی خود اتکاء و حساب میکردند که در برابر جنگهای گوریلایی، چریکی، حمله و گریز بخصوص در اراضی کوهسار و نا هموار افغانستان آسیب پذیر شدند و ابتکار پیروزی در جنگ را از دست دادند. یکه تازی امریکا و ناتو تهدید پیشروی های شان بسوی سایر کشورها و مناطق تحت نفوذ سایر قدرت های نو ظهور جهانی و منطقوی سبب شد که بخاطر توازن قوا در جهان رقبای امریکا و ناتو با هم متحد شدند که امروز جهان ما را به چند قطبی و دوقطبی متوازن ساخته است. که در مقابل پیشروی های تک ابر قدرت جهان و ناتو مقاومت مینمایند. عامل دیگری که بالای خروج عساکر خارجی از افغانستان تأثیر گذار بود، عدم دست آورد ملموس جنگ ده ساله ضد تروریسم برای امریکا، ناتو و متحدین اش میباشد که با وصف تلفات عظیم انسانی، مصارف گزاف و گران مالی و اقتصادی بود که بر پیکر اقتصاد کشورها یکه در افغانستان فعالیت های نظامی داشتند تأثیرات منفی بجا گذاشت. این همه رویدادها منطبق ادامه جنگ در افغانستان را در بین مردمان کشور های عضو ناتو و جهان زیر سوال برد و حرارت حمایت شان را از جنگ سرد تر ساخته رفت که امروز همه مردم جهان

علیه آن مخالفت مینمایند. عامل دیگری که قوای نظامی خارجی را در افغانستان به معضله غیر قابل پیش بینی مواجه ساخته اینست که در دام وتلک کشورهای رقیب و مخالف امریکا و ناتو و در محاصره راه های ترانزیتی و اکمالاتی گیر مانده است. روحیه عساکر امریکا و ناتو هم هر روز در جنگ غیر عادلانه ضعیف تر شده می رود زیرا نمیدانند که بخاطر چه منظور و هدف می جنگند و کشته میشوند.

با در نظر داشت مشکلات امریکا که در فوق ذکر شد گمان نمی رود که امریکا پایگاه نظامی خود را در افغانستان بسازد. اگر امریکا از پایگاه نظامی خود در افغانستان صرف نظر نمی کرد، آنرا به استرا لیا انتقال میداد. برای امریکا و ناتو تجربه و ثابت شد که در جنگ های زمینی افغانستان امنیت و چانس بُرد نظامی شان کمتر است. روی همین برداشت پایگاه نظامی پلان شده امریکا از افغانستان به استرا لیا انتقال داده شد. روسیه و چین هم تمرینات و مانور های مشترک نظامی شانرا در بحر در عکس العمل به آن براه انداختند که جهان آهسته آهسته بسوی تقابل نظامی شدن به پیش می رود.

ضرب العجل اعلام خروج عساکر خارجی از افغانستان تا ختم سال ۱۴۰۲. نمایانگر این حقیقت است که قوای خارجی به این نتیجه رسیده اند که در ادامه جنگ افغانستان بُرد نظامی ندارند. لذا تحت فشار های که در فوق ذکر شد تصمیم گرفتند که عساکر شان را از افغانستان خارج سازند. پایگاه نظامی و قرارداد پیمان ستراتژیک دایمی که امریکارا در افغانستان متعهد بسازد تا حال مبهم به نظر میرسد که اخیرن امریکا واضح ساخت که در افغانستان پایگاه نظامی دایمی نمی سازد. این موضوع نزد مردم افغانستان و منطقه مطرح است که آیا امریکا از پایگاه های نظامی هوایی که فعلا در افغانستان در اختیار دارد عساکر و قوای هوایی خود را هم از افغانستان خارج میسازد یا خیر!

امریکا قراردادی را با افغانستان امضاء خواهد کرد که تعهدات مشخص و طولی‌المدت امریکارا دربر نداشته باشد. متن نهایی شده قرارداد ستراتیژیک افغانستان و امریکا مبین همین حقیقت است که امریکا خواستهای خود را واضح مطرح نساخته و آن را قابل مطرح نمیداند. مدت قرارداد هم ده سال تعیین گردیده، طولی‌المدت نیست. قدرتهای نظامی خارجی در مدت ده سال در جنگ با تروریسم برنده نشدند در برابر پیشرویهای شان بسوی آسیای میانه و بحیره خزر سد های بزرگ ایجاد گردیده است. پایگاه نظامی هم نمیسازد پس کدام هدف نا تکمیل شده باقیمانده که با عقد قرارداد با افغانستان خوش باور هستند که در ده سال آینده به اكمال آن نایل میگردند. اگر موضوع با دقت بررسی شود گمان میرود که هدف غیر قابل مطرح امریکا چشم دوختن به ذخایر بیش از سه تریلیون دالری افغانستان میباشد که امریکا واضح آنرا بیان کرده نمیتواند که حصول آن تا ده سال آینده بعید از امکان نمیباشد، اگر دولت وابسته و فاسد باز هم بالای افغانستان تحمیل شود و مهره های اجیر شده در پست های کلیدی دولت بخصوص در وزارت معادن افغانستان ابقاء شده و یا خواهد شد که زمینه را برای اهداف شان به آسانی مساعد خواهند ساخت. همه برنامه ها و پلانهای قوای خارجی در افغانستان در محدوده استفاده از منابع و ذخایر بزرگ معادن افغانستان میچرخد که در این راستا کارها و فعالیت های وسیع و همه جانبه براه انداخته شده است که در آن قوای نظامی امریکا، ناتو، آیساف، اداره سروی معادن امریکا و انگلستان، بانک جهانی و یک عده مستشاران و مشاورین خارجی که در بخشهای معادن مختلف استخدام شده اند که همه امور معادن افغانستان را بدست خود گرفته اند که وزارت معادن افغانستان به مشوره های شان عمل میکند. این علاقه خاص قوای خارجی نمایندگی از این میکند که بخاطر همین منظور آمده اند و جنگ هم به همین منظور در افغانستان ادامه دارد. به سایت های معادن

افغانستان که به لسان انگلیسی نگاشته شده است میتواند موضوعات را مشاهده و مطالعه نماید. خصوصی سازی، تبدیل و فروش بالمقطع مواد معدنی به پول که ادعا شده از آن در آبادی و بهبود زندگی مردم افغانستان استفاده خواهد شد، یکی از محتویات قانون معادن افغانستان میباشد که در همین راستا تدوین شده است. قراردادهای معادن افغانستان بین دولت افغانستان و سایر دولت ها که در آن سهم هر جانب معلوم باشد نفی گردیده. در قانون معادن افغانستان حق امتیاز معادن به سکتورهای خصوصی ترجیح داده شده که از مواد مختلف معدنی پنج و ده فیصد از سرجمع عواید ناخالص تعیین گردیده است. که اصولن در ختم هر سال مالی سنجش و محاسبه شده و به افغانستان پرداخته میشود.

مگر معدن مس عینک که در سروی، تخمین و سنجش حجم ذخایر مس خالص و سرجمع ارزش تخمین شده آن تفاوت های در نشرات انترنیتی واضح دیده میشود. معدن مذکور در بدل سالانه مبلغ چهارصد و پنجاه ملیون دالر به قیمت قطعی و تبدیل آن به پول بفروش رسیده است. در همان سال قیمت مس در جهان فی کیلو در حدود مبلغ پنج دالرو شش سنت بود که به اساس آن ماحصل فروش معدن مس عینک سنجش و مبلغ چهارصد و پنجاه ملیون دالر در سال تعیین گردید.

به تاریخ ۶ اپریل ۲۰۱۲ قیمت فی کیلومس به هشت دالروسی و چهار سنت صعود کرد. اگر در استخراج مس عینک و یا عاید حاصله از آن افغانستان سهم خود را میداشت و به فروش قطعی رسانیده نمیشد امروز افغانستان سالانه مبلغ ۲۹۱ ملیون دالر عاید اضافی از مدرک صعود قیمت های مس میداشت که از مدرک مس عینک سالانه به ۷۴۱ ملیون دالربالغ میگردد. اگر باز هم قیمت های مس در آینده بالا برود متناسب به آن افغانستان متضرر میشود. میعاد قرارداد مس عینک تا سی سال اعتبار دارد. این هم واضح نیست که همین مبلغ چهارصد و پنجاه ملیون

دالر تا سی سال به افغانستان تادیه میشود و یا تا ختم استخراج معادن. موضوعات را باید وزارت معادن به نمایندگان ملت توضیح بدهد.

اگر سایر معادن افغانستان به همین طریقه مس عینک قرارداد شود و در بدل پول به فروش قطعی رسانیده شود جفای غیر قابل بخشش در برابر حقوق مردم مظلوم افغانستان خواهد بود. مسئول آن کیها خواهند بود؟ شاید گفته شود که قانون معادن افغانستان. باید قانون معادن تعدیل شود که سرتاسر به ضرر منافع ملی افغانستان است.

اگر فیصدی سهم افغانستان در استخراج معادن و یا عواید حاصله از آن تعیین، تثبیت و مشخص شود همه دسایس و دستبرد ها در سر وی ها و تخمین های ظرفیت معادن افغانستان و تثبیت قیمت های از قبل آن در نطفه خنثی میگردد و از بلند رفتن قیمت ها هر دو جانب قرارداد منفعت خواهند برد.

در سال ۱۴۰۲ که عساکر خارجی از افغانستان خارج میشوند افغانستان نیمه مستقل میشود. باید فرد فرد افغانستان در داخل و خارج کشور در ایجاد دولت مستقل ملی کوشش نمایند و در انتخابات آینده ریاست جمهوری و پارلمانی افغانستان سهم فعال بگیرند تا از جمله نامزدان ریاست جمهوری یک شخصیت ملی، مستقل، غیر وابسته و مورد پسند و اعتماد همه مردم افغانستان را که لیاقت، کفایت و درایت ریاست جمهوری را داشته باشد به اریکه قدرت رسانیده شود. تا مثل اراده مردم و حاکمیت ملی افغانستان شده بتواند. ظرفیت و توانایی اردوی افغانستان را به درجه اردوی افغانستان در دوران ریاست جمهوری دکتور نجیب اله ارتقاء بدهد تا از تمامیت ارضی کشور در برابر تعرضات همسایه های افغانستان مستقلانه دفاع کرده بتواند. تا زمانیکه مراحل کاندید شدن آغاز میگردد جامعه ما به نظریات و عملکردهای



متحدو رهبری شده نیاز مبرم دارند که کار های مقدماتی ذیل از همین حالا باید آغاز شود:

اول - برنامه های تبلیغاتی و آموزشی را در باره انتخابات، مزایا، اصول، موازین و اهداف انتخابات که رکن عمده دیموکراسی میباشد به سبک درسهای آموزنده از طریق نشرات انترنیتی، تلویزیونی و نشرات روزنامه ها و ارتباطات شخصی، فامیلی و سایر امکانات ممکنه به آگاهی مردم رسانیده شود.

دوم - در باره شفافیت انتخابات، مسئولیت، وجیبه و صداقت فرد و جامعه در برابر دادن رای شان به کاندید مستحق، باتقوا، پاک نفس که دستان اش بخون، رشوت و اختلاس آلوده نباشد مردم رهنمایی شوند. تا مردم مسئولیت های ایمانی، وجدانی، اسلامی، اخلاقی و ملی شانرا در قبال انتخابات درک نمایند و به کاندید مستحق رای بدهند. اگر مردم درک نمایند که انتخابات در سرنوشت زندگی شان تأثیر گذار میباشد هیچگاه آرا شانرا بفروش نمی رسانند بخصوص که بدانند که فروش رای های شان به نفع خائنین و دشمنان افغانستان، دولت فاسد و رشوت خور تمام میشود. در عدم درک ارزش های انتخابات از جانب مردم انتخابات یک امر عادی و پیش پا افتاده برای شان معلوم میشود و در برابر تحریکات قومی، مذهبی، سمتی و یا فروش کارت ها آرای شانرا بیهوده در صندوقها میریزند. من یقین دارم اکثریت مردم افغانستان وجایب و مسئولیت های شانرا در قبال انتخابات درست نمیدانند به رهنمایی و رهبری نیاز دارند. که رسالت تنویر مردم در موضوع انتخابات از وظایف، وجایب همه علماء، دانشمندان، روشنفکران، نویسندگان، معلمین مکاتب، استادان پوهنتون، محصلین، جوانان و امامان مساجد میباشد. گردانندگان تلویزون ها، رادیوها و روزنامه ها سایت های انترنیتی میتوانند آرمانهای مقدس انتخابات را طی برنامه های خاص به نشر برسانند و از مردم تقاضا نمایند که آنرا به دیگران

نیز برسانند. بخصوص جوانان در انترنت در مورد انتخابات نقش فعال را ادا کرده میتوانند.

هموطنان عزیز، بیایید که قبل از انتخابات آینده یک کمپاین وسیع تبلیغاتی و آموزشی را براه بیاندازیم و به مردم خود را آموزش و آگاهی بدهیم. بعدن مردم خود تشخیص کرده میتوانند که رای های شانرا به کدام کاندید بدهند. ما همه که کمپاین تبلیغاتی را به پیش میبریم باید مشترک از یک کاندید حمایت نماییم.

انتخابات ریاست جمهوری آینده افغانستان برای حاکمیت ملی، حراست از ذخایر ترلیوها دالری افغانستان، قوای خارجی و همسایه های افغانستان از اهمیت ستراتژیک برخوردار است. بعد از خروج عساکر خارجی از افغانستان خلای قدرت بوجود میاید. افغانها را بار دیگر به جنگ و خون ریزی خواهند کشانید که اینبار همه دار و ندار خود را از دست خواهیم داد. قدرت های خارجی دست نشانده شانرا از طریق تقلب ها به کرسی ریاست جمهوری نصب خواهند کرد و افغانها در یک عمل انجام شده قرار خواهند گرفت و در کشور خود مزدور و نوکر خارجی ها خواهیم شد. ذخایر معدنی ما در برابر کمک چند ملیارد دالری به یغما برده خواهد شد. اردوی ملی ما توان دفاع از تمامیت ارضی کشور را نخواهد داشت. روی همین احتمالات و پیش بینی ها ما افغانها هم درباره انتخابات آینده کشور خود باید خوب، نیک و معقول بیاندیشیم، تصمیم بگیریم و عمل کنیم و کاندید اصیل مردم را به کرسی ریاست جمهوری افغانستان برسانیم تا فرصت ها از دست نرود.

خداوند یار و مددگار مردم و کشور ما باشد. ۹ ثور ۱۳۹۱